

# فِرْسَتٌ

٥	● الْدَّرْسُ الْأَوَّلُ: قِيمَةُ الْعِلْمِ، نُورُ الْكَلَامِ وَ كَثْرَ الْكُنُوزِ
١٦	● الْدَّرْسُ الثَّانِي: جَوَاهِرُ الْكَلَامِ، كُنُوزُ الْحِكْمَةِ وَ كَثْرَ النَّصِيحَةِ
٢٥	● الْدَّرْسُ الثَّالِثُ: الْحِكْمَةُ النَّافِعَةُ وَ الْمَوَاعِظُ الْعَدِيدَةُ
٣٢	● الْدَّرْسُ الرَّابِعُ: حِوازَرُ بَيْنَ وَلَدَيْنِ
٣٦	● الْدَّرْسُ الْخَامِسُ: فِي السَّوقِ
٤٢	● الْدَّرْسُ السَّادِسُ: الْجَمَلَاتُ الْذَّهَبِيَّةُ
٤٧	● آزْمُون نِيم سَال اول
٤٩	● الْدَّرْسُ السَّابِعُ: حِوازَرُ فِي الْأُسْرَةِ
٥٤	● الْدَّرْسُ الثَّامِنُ: فِي الْخِدُودِ
٦٠	● الْدَّرْسُ التَّاسِعُ: الْأُشْرَةُ التَّاجِحَةُ
٦٥	● الْدَّرْسُ الْعَاشِرُ: زِينَةُ الْبَاطِنِ
٧١	● الْدَّرْسُ الْحَادِي عَسْرٌ: الْإِخْلَاصُ فِي الْعَقْلِ
٧٦	● الْدَّرْسُ الثَّانِي عَسْرٌ: الْأَيَّامُ وَ الْفَصُولُ وَ الْأَلْوَانُ
٨١	● آزْمُون نِيم سَال دَوْم
٨٤	● پاسخ نامهٔ تشریحی



السلام عليكم؛ أهلاً و سهلاً بكم في الصف السابع، كيف حالكم، بخير إن شاء الله.

سلام بر شما؛ خوش آمدید به کلاس هفتم. حال شما چه طور است، به خیر و خوبی اگر خدا بخواهد.

**خواندنی** په‌ها سلام؛ می‌دونید «سلام» یعنی چی؟ سلام یعنی صلح، سلام پیام دوستی و محبت است. یعنی من با تو دوستم. در زمان باهیت (قبل از پیامبر) وقتی عرب‌های بیابان نشین به هم سلام می‌کردند یعنی نه تنها با هم دوست و هم پیمان می‌شدند که مال و پان و ناموس اون‌ها از طرف هر کدو در امان بود و کسی به کسی دیگه فیضان یا باهاش هنگ نمی‌کرد.



هذه صورة جميلة. هذا جبل جميل.

این تصویری زیباست. این کوه زیبایی است.

## المعجم: واژگان

سنة: سال	حقيقة: باع	آفة: آفت، آسیب
صداقة: دوستی	حسن: خوبی	آفة العلم التسيّان: آفت دانش فراموشی است.
الصف: کلاس	خشبيّ: چوبی	الأمان: امنیت
الصحة: تدرستی	هذا الكرسيان خشبيان: این دو صندلی	نعمتان مجھولتان: الصحة والأمان: دو
الصغر: کوکی	چوبی هستند.	نعمت ناشاخته‌اند: تدرستی و امنیت
الطالبة: دانش‌آموز	أحياء: زندگان	أوسط: میانه‌ترین
هذا الطالبة ناجحة: این دانش‌آموز، موفق است.	الدهر: روزگار	خير الأمور أوسطها: بهترین کارها
عداوة: دشمنی	ذهب: طلا، زر	میانه‌ترین آن‌هاست.
عبرة: پند	أدب الماء حيّر من ذهبيه: ادب انسان بهتر	بلا عمل: بی‌عمل
فائز: برنده، رستگار	از طلای اوست.	البنت: دختر
هؤلاء اللاعبون فائزون: این بازیکنان برنده‌اند.	رأيان: دو نظر، دو فکر	ثمر: میوه
فخر: افتخار	رضاء: خوشنودی	الجبل: کوه
فریضة: واجب	سبعين: هفتاد	الحجر: سنگ



نَاجِحٌ: مُوفَّق	اللَّوْحَةُ: تَابِلُو	الْقِصَصُ: قَصَصٌ / دَاسْتَانٌ هَا
النَّسِيَانُ: فَرَامُوشِي	مُجَالِسَةُ: هَمْشِينِي	«فِي كُتُبِ الْقِصَصِ عِزْرُ»: در کتاب‌های
نَظَرَةُ: نَگَاهٌ / يَكْ نَگَاه	مَجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ عِبَادَةٌ: هَمْشِينِي با دانشمندان	دَاسْتَانِ پَنْدَهَايِي است.
«نَظَرَةُ إِلَى الدَّرْسِ الْأَوَّلِ»: درس اول در	عِبَادَةٌ اسْتَ.	قِيمَة: ارزش، بِهَا
يَكْ نَگَاه	مُجَاهِدُونَ: رَزْمَنْدَگَانٌ / مجاهدان	كَالْشَجَرِ: مثل درخت
النَّظِيفُ: پَاكِيزَه	مِفْتَاحٌ: كَلِيدٌ	كَنْزُ: گنج
نَافِذَةُ: پِنْجَرَه	مَجْهُولٌ: نَاشِنَاتِخَهٌ	كُرْسِيَانُ: دو صندلی
وَاقِفٌ: اِيْسَتَادَه	الْمَرْأَةُ: زَنٌ	اللَّاعِبُ: بازیکن
الوَالِدِينُ: پَدَرُ وَ مَادَر	الْمَسْرُورُ: خَوْشَحَالٌ	لِهَذَا اِيْنَ دَارَد / دَارَد
الوَرَدَةُ: گَلٌ	مَوْتٌ: مَرْغٌ	«لِهَذَا الصَّفَّ نَافِذَاتِ جَمِيلَاتٍ»: این کلاس دو پنجه زیبا دارد.

### المترادف: كلمات هم معنی

الرَّأْيُ = التَّظَهُرُ (فَكْر وَ نَظَر)	الطالب = التَّلَمِيذُ (دانشآموز)	عَجِيبٌ = غَرِيبٌ (شَغَفَت)	خَسْنُ = خَيْرٌ (خَوبِي)
المسرور = الفَرَحُ (خَوْشَحَالٌ)	الثُورُ = الضَّيَاءُ (روشنایی)	مُرْتَفِعَةٌ = بَاسِقَةٌ (بلند)	فَرِيْضَةٌ = تَكْلِيفٌ (واجب)
مُجَالِسَةٌ = مُصَاحِبَةٌ (همشینی)	الْمَرْءُ = الْإِنْسَانُ (آدمی)	الْوَلَدُ = الْإِبْنُ (پسر)	نَاجِحٌ = فَائِزٌ (پیروز)

### المتضاد: كلمات مخالف

لَكَ ≠ عَلَيْكَ (به سود تو ≠ به ضرر تو)	الصالح ≠ الفاسد (نیکوکار ≠ بدکار)	جميل ≠ كريه (زشت ≠ زیبا)
خَيْرٌ ≠ شَرٌ (خَوبِي ≠ بدِي)	مَوْتٌ ≠ حَيَاةٌ (مرگ ≠ زندگی)	العالِمُ ≠ الجاَهِلُ (دانان ≠ نادان)
مسرور ≠ محزون (خَوْشَحَالٌ ≠ نَارِحَت)	جَالِسٌ ≠ وَاقِفٌ (نشسته ≠ اِسْتَادَه)	الناِجِ ≠ الْكَسْلُ (مُوفَق ≠ نَبِل)
عَدَاوَةٌ ≠ صَدَاقَةٌ (دشمنی ≠ دوستی)	الْمُؤْمِنُ ≠ الْكَافِرُ (بِالْيَمَان ≠ بِالْيَمَان)	كَبِيرٌ ≠ صَغِيرٌ (بِزَرْگ ≠ كوچک)
مَجْهُولٌ ≠ مَعْلُومٌ (ناشناخته ≠ شناخته شده)	الصَّحَّةُ ≠ الْمَرْضُ (سلامتی ≠ بِيَمَارِي)	مُرْتَفِعٌ ≠ قَصِيرٌ (بلند ≠ کوتاه)
فَائِزٌ ≠ رَاسِبٌ (مُوفَق ≠ مردود)	الثُورُ ≠ الظَّلْمَةُ (روشنایی ≠ تاریکی)	الثُورُ ≠ الظَّلْمَةُ (روشنایی ≠ تاریکی)

### الجمع: جمع های سالم و مکسر

صَلَحَاءُ ← صَالِحٌ (نیکوکار)	أَنوارُ ← نُورٌ (روشنایی)	سَنَوَاتُ ← سَنَةٌ (سال)	بَنَاتُ ← بَنْتٌ (دختر)
أَحْيَاءُ ← حَيَّ (زنده)	عَبَرُ ← عِبْرَةٌ (پند)	مَكَابِرُ ← مَكْتَبَةٌ (كتابخانه)	جَبَالُ ← جَبَلٌ (کوه)
أَحْجَارُ ← حَجَرٌ (سنگ)	كَنْزُ ← كَنْزٌ (گنج)	أَطْبَاءُ ← طَبِيبٌ (پزشک)	عُلَمَاءُ ← عَالِمٌ (دانان)
خَدائقُ ← خَدِيقَةٌ (باغ)	أَمْوَارُ ← أَمْرٌ (کار، امر)	رِجَالُ ← رَجُلٌ (مرد)	أَشْجَارُ ← شَجَرَةٌ (درخت)
مَفَاتِيحُ ← مَفْتَاحٌ (کلید)	أَخْشَابُ ← خَشَبٌ (چوب)	نَاجِحُونَ ← نَاجِحٌ (مُوفَق)	طَلَّابُ ← طَالِبٌ (دانشآموز)
	آرَاءُ ← رَأْيٌ (نظر)	تَمَارِينُ ← تَمْرِينٌ (تمرین)	فَرَائِضُ ← فَرِيْضَةٌ (واجب)
	أَيَّامُ ← يَوْمٌ (روز)	مَدَارِسُ ← مَدْرَسَةٌ (مدرسه)	أَوْلَادُ ← وَلَدٌ (فرزند)





المدرسةُ وسِيْعَةٌ.

طَفْلٌ نَظِيفٌ.

الْطَّالِبَةُ نَاجِحةٌ.

المدرسةُ وسِيْعَةٌ.

طَفْلٌ نَظِيفٌ.

الْطَّالِبَةُ نَاجِحةٌ.

**خواندنی** وقتی داریم ترجمه‌هی کنیم اگر بعد از اسم اشاره، اسم «ال» داریاید، آن اسم «ال» دار بدون «ی» ترجمه‌هی شه و اگر بدون «ال» باشد، اون اسم همراه «ی» هی آید؛ هنره الشَّبَرَةُ، عَبِيبَةٌ ← این درفت، عَبِيبَ است.

**مثال** اگر بخواهیم مطمئن بشویم که با معناهای دو اسم اشاره نزدیک و دور آشنا شده‌ایم، باید بتوانیم جملات زیر را ترجمه کنیم:

هَذِهِ الْبِنْثُ، فِي تِلْكَ الْمَدْرَسَةِ.

هَذَا الْوَلَدُ، فِي هَذِهِ الْمَدْرَسَةِ.

هَذِهِ الْطَّالِبَةُ النَّاجِحةُ، فِي الصَّفَ الْأَوَّلِ.

ذَلِكَ الطَّالِبُ النَّاجِحُ، فِي الصَّفَ الْأَوَّلِ.

اَيْنِ دَخْتَرٌ، دَرِ آنِ مَدْرَسَهِ اَسْتَ.

اَيْنِ پَسْرٌ، دَرِ اَيْنِ مَدْرَسَهِ اَسْتَ.

اَيْنِ دَانِشَآمُوزٌ مُوفَّقٌ، دَرِ كَلَاسِ اَوْلَى اَسْتَ.

اَيْنِ دَانِشَآمُوزٌ مُوفَّقٌ، دَرِ كَلَاسِ اَوْلَى اَسْتَ.

**مثال** وقتی شما می‌توانید جملات بالا را ترجمه کنید، پس می‌توانید با کمک تصاویر اسم‌های زیر را در جای خالی قرار دهید.

شَجَرَةٌ – جَبَلٌ – جَبَلٌ – بَنْثٌ



هَذَا ٤



ذَلِكَ ٣



تِلْكَ ٢



هَذِهِ ١ پَاسْخٌ ١ هَذِهِ بَنْثٌ.

**مثال** برای هر جای خالی، یک کلمه مناسب انتخاب کنید.

فِي ○

بِلَا ○

ثَمَرٍ ○

جَبَلٌ ○

نَاجِحٌ ○

الْرَّحْمَةُ وَ النُّورُ ○

ثَمَرٌ ○

طَلَبٌ ○

هَذِهِ الشَّجَرَةُ الْكَبِيرَةُ، لَذِيدٌ ○

رَجُلٌ ○

بَنْتٌ ○

«حَمِيدٌ» إِسْمٌ وَلَدٌ وَ «حَمِيدَةٌ» إِسْمٌ ○

بَنْتٌ (دَخْتَرٌ) ٣

ثَمَرٌ (مِيْوهٌ) ٣

جَبَلٌ (كَوْهٌ) ٢

بَنْتٌ (بَوْنٌ) ١ پَاسْخٌ ١

یکی دیگر از تفاوت‌های کلمات عربی با فارسی این است که در فارسی اسم بیشتر از یک نفر را جمع می‌بندیم. مثلاً به دو دانش‌آموز می‌گوییم «شما» یا «آن‌ها». به بیشتر از دو دانش‌آموز هم باز می‌گوییم «شما» یا «آن‌ها».



در عربی بعد از اسم مفرد، اسم مثنی (۲نفر) را دارند و بیشتر از ۲ نفر را جمع می‌گویند.

پس آقا اباذه، یعنی اسم‌های اشاره هم مثنی دارند؟

البته اسم‌های اشاره هم مانند اسم‌های دیگر مثنی دارند:



**خواندنی** وقتی که با نشانه‌های اسم مثنی آشنا می‌شوید دقت کنید که بعضی از اسم‌ها مفردند ولی ساختار کلمه طوری است که شبیه اسم مثنی هستند. پس باید به آن‌ها بیشتر دقت کنیم؛ طیران (پرواز)، عطشان (تشنه)، سلمان

با توجه به مثال‌های بالا بهتر است که علامت‌ها و نشانه‌های اسم مثنی را در عربی بهتر بشناسیم. به نمودار زیر دقت کنید:



**خواندنی** یادمون باش که اگر اسم، مذکر باشد با «ان» و «ین» هی آید و اگر مؤنث باشد با «تان» و «تین» هی آید.

الكتاب مُثُنٰي الكتابان / الكتابين النّعْمَة مُثُنٰي النّعْمَاتان / النّعْمَاتين هَذَا الْمَعْلُمَانِ مُؤَدِّبَانِ هَذَا الْمَعْلُمَانِ مُؤَدِّبَانِ

**مثال** با توجه به آشنایی شما با اسم‌های اشاره به صورت مثنی جملات زیر را با کمک تصاویر کامل کنید.



ورَدَتَانِ.



وَلَدَانِ.



بِنَتَانِ.



كُرْسِيَّانِ.

هَذَا الـ ..... حَسَبِيَّانِ. هَذَا الـ ..... جَمِيلَاتَانِ. هَذَا الـ ..... نَظِيفَاتَانِ.

یکی دیگر از مشخصات کلمات عربی حرکت آخر آن‌ها است که با تغییر نقش کلمات حرف آخر آن‌ها نیز تغییر می‌کند:

این علامت‌ها عبارت‌اند از: ـ فتحه، ـ كسره، ـ ضمه، ـ سکون و ـ تنوین.

رأَيْتُ التَّلَمِيذَ فِي الْمَدْرَسَةِ: دَانَشَ آمَوزَ رَا در مدرسه دیدم.  
مفعول

ذَهَبَ التَّلَمِيذُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ: دَانَشَ آمَوزَ به مدرسه رفت.  
نهاد

سَلَمَتُ عَلَى التَّلَمِيذِ: به دانش آموز سلام کردم.  
متهم

**نکته** دقت کنیم که حرکات آخر کلمات و تغییر آن‌ها فعلًا از قواعد درس‌های ما نیست و سال‌های بعد با آن‌ها آشنا خواهیم شد. اما یادمان

باشد که «ن» در اسم مثنی همیشه کسره ـ می‌گیرد، چه اسم اشاره باشد چه نباشد: هَاتَانِ التَّلَمِيذَاتَانِ.



**مثال** با کمک تصاویر اسم‌های مفرد زیر را به مشتی تبدیل کنید و در جای خالی قرار دهید.

المَسْجِد – الطَّالِبَة – النَّافذَة – الرَّجُل



- ۱ هاتان ..... جَمِيلَتَانِ.  
۲ هذان ..... كَبِيرَانِ.  
۳ هذان ..... مُحَمَّدانِ.  
۴ هذانِ المَسْجِدَانِ ناجِختَانِ.  
۵ هذانِ الرَّجُلَانِ مَجَدانِ.
- پاسخ** ۱ هاتانِ النَّافذَتَانِ جَمِيلَتَانِ.  
۲ هاتانِ الطَّالِبَتَانِ ناجِختَانِ.

**مثال** برای جای خالی کلمه مناسب را انتخاب کنید.

- |           |           |
|-----------|-----------|
| ۱ المرأة  | ۲ المرأة  |
| ۳ جميلان  | ۴ جميلان  |
| ۵ الطالب  | ۶ الطالب  |
| ۷ المدرسة | ۸ المدرسة |

- ۱ هاتان ..... مَسْرُورَتَانِ.  
۲ لِهَذَا الصَّفَّ نَافذَتَانِ ..... .  
۳ ذَلِكَ ..... نظيفٌ.  
۴ هذِهِ ..... كبيرةٌ.

- پاسخ** ۱ هاتانِ المَرْأَتَانِ مَسْرُورَتَانِ: این دو زن خوشحال‌اند.  
۲ ذَلِكَ الطَّالِبُ نظيفٌ: آن دانش‌آموز پاکیزه است.

**خواندنی** شاید این سؤال برآتون پیش بیاید که هرا از «ین» و «تین» در مثال‌ها استفاده نکردیم؟!

قواعد این دو نشانه رو الاآن نبی تونم بگم چون یه مقدار زوده و سال‌های بعد فواهید فوند. ولی فلاحتش اینه که بستگی به نقش اون در چمله داره. مثل جایی که مفعول باشه یا بعد از «ل» بیاد: الْوَلَدُ الصَّالِحُ فَمَرْءَةُ الْوَالِدَيْنِ.

تاکنون با اسم‌های مفرد و مشتی آشنا شدیم و آخرين موضوعی که باید در این درس یاد بگیریم اسم‌های جمع و اسم‌های اشاره برای جمع است.

**خواندنی** تا اینجا دیدیم که برای اسم‌های اشاره هم، مؤنث و مذکر بود. هدا **مذکر**، هته **مؤنث**. اما باید دقت کنیم که اسم اشاره برای جمع، مؤنث و مذکر ندارد. هُوَلَاءُ بَنَاتُ (اینان دفتران‌اند). هُوَلَاءُ أُولَادُ (اینان پسران‌اند).

اگر ابازه هی دهدید از فارسی شروع کنیم تا به عربی برسیم.

دوستای عزیزم اگر ما در فارسی بفوایم به هند نفر اشاره کنیم از په کلاماتی استفاده می‌کنیم؟! اگه نزدیک باشند هی گیم **أَنْهُنَّ** (اینان) / **أَنْهُنَّ هُنَّ** (این‌ها) و اگر دور باشند هی گیم **أَنْهُنَّ هُنَّ** (اینان) / **أَنْهُنَّ هُنَّ هُنَّ** (آن‌ها). در زبان عربی هم همین طوره؟!

یعنی اگر ما بفوایم به هند نفر که نزدیک‌مدون هستند اشاره کنیم هی گیم **أَنْهُنَّ** هُنَّ (اینان) و اگر از ما دور باشند هی گیم **أَنْهُنَّ هُنَّ هُنَّ** (آن).

۱ أُولَئِكَ طَلَابٌ (اینان دانش‌آموزان).

**مثال** ۱ هُوَلَاءُ طَلَابٌ (اینان دانش‌آموزان).

۲ أُولَئِكَ طَالِبَاتٌ (اینان دانش‌آموزان (دفتر)‌اند).

۲ هُوَلَاءُ طَالِبَاتٌ (اینان دانش‌آموزان (دفتر)‌اند).

**خواندنی** بالیبه بدونید که اگر بعد از اسم اشاره جمع، اسمی «ال» دار بیاید، اسم اشاره رو به صورت مفرد ترجمه می‌کنیم و اگر بعد از اسم اشاره جمع، اسمی بدون «ال» بیاید هی توان هر دو جمع ترجمه کرد و هم هی توان اشاره رو جمع و هم هی توان بعد از اسم اشاره رو مفرد ترجمه کرد:

۱ هُوَلَاءُ الْمُجَاهِدُونَ صابرون: این مجاہدان شبیه هستند.

۲ هُوَلَاءُ مُجَاهِدُونَ صابرون: این‌ها مجاہدان شبیه هستند - این‌ها مجاہد شبیه هستند.

خوب حالا به آخرین موضوع درس رسیدیم؛ اسم‌های جمع. اگر بخواهیم یک اسم مذکور را به صورت جمع بنویسیم هم می‌توانیم به آخر آن اسم «ون» اضافه کنیم و هم «بن».



و اگر بخواهیم یک اسم مؤنث را به صورت جمع بیاوریم، اگر «ة» یعنی علامت مؤنث داشت آن را حذف می‌کنیم و به جای آن ←«ات» به آخر کلمه اضافه می‌کنیم:



این جمع، جمع مکسر گویند: **این** نوع جمع دیگر داریم که مفرد کلمه تغییر می‌کند و شکل ساختن آن قاعدة خاصی ندارد و فقط باید شکل و وزن آن را شنیده باشیم که به



جمع‌بندی مطالب به صورت نمودار



**خواندنی**) ملک مؤنث یا منکر بودن معنی های ملکس مفرد آنها است و اگر فوایستیم یقینیم که یک معنی ملکس منکر یا مؤنث، اول باید مفرد اون رو بیدار کنیم:



**خواندنی**  هر کدت آفر اسم های مشی همیشه کسره است.  حافظان / حافظتان

و هر کلت آخر اسم‌های جمع منکر سالم همیشه ختفه دارد. هافظین و پاید وقت کنیم که اسم‌های مشی و جمع منکر سالم هیچ وقت تنوین نمی‌گیرند.

**مثال** با توجه به تصاویر و اسیم‌های زیر در جای خالی کلمه مناسب را اقرار دهید.

هذه - تلميذتان - حا - تلاميذ - لاعمهن - أولئك - ذلكر - لاعمات



۱۴ هاتان



امرأة ..... ۱۳



۲ طبیعت



١

هذا ٨هاتان تلميذتان ٤هذا رجل ٨هؤلاء ٧هذه إمرأة ٣هؤلاء لاعبات ٧أولئك ٦أولئك طبيبات ٢أولئك لاعبون ٤مجاهد ٥هؤلاء تلاميد ١ذلك مجاهد ٥**مثال** برای جای خالی کلمه مناسب را انتخاب کنید.مسروزة ١مسوروون ١واقفات ٢واقف ٢المجاهد ٣المجاهدون ٣اللاعبات ٤اللاعبات ٤لاعبات ٥لاعبون ٥لاعبون ٥اللاعبات ٤المجاهدون ٣واقفات ٢مسوروون ١**مثال** جملات زیر را ترجمه کنید سپس انواع جمع‌ها (سالم و مکسر) و نیز اسم‌های «مثنی» را معلوم کنید.الأولاد يحترمون الوالدين في البيت. ١في كتب القصص عبر للأطفال. ٢أولئك الرجال جالسون عند العالمين. ٣فرزندان به پدر و مادر در خانه احترام می‌گذارند. ٤ (الأولاد: جمع مکسر)، (الوالدين: مثنی)در کتاب‌های داستان پندهایی است برای کودکان. ٥ (كتب: جمع مکسر)، (القصص: جمع مکسر)، (عيّر: جمع مکسر)، (الأطفال: جمع مکسر)آن مردان نزد دو دانشمند نشسته‌اند. ٦ (الرجال: جمع مکسر)، (جالسون: جمع مذکر سالم)، (العالمين: مثنی مذكر)این دانش‌آموزان در مسابقات جهانی پیروز هستند. ٧ (الطلابات و ناجحات و المسابقات: جمع مؤنث سالم)

## قيمة العلم

ارزش دانش

العلم،	نصف	السؤال،	حسنٌ	<span style="color: orange;">٢</span>
دانش [است].	نصف	پرسش	خوبی	

پرسش خوب، نصف دانش است.

فريضة.	العلم،	طلب	<span style="color: orange;">٣</span>
واجب [است].	دانش	خواستن	

در بي دانش بودن واجب است.

عالِم،	بلا	كالشجرِ	ثمرة.	<span style="color: orange;">١</span>
دانشمند	بدون	مانند درخت	بدون ميوه [است].	

عالِم بي عمل مانند درخت بدون ميوه است.

عِبادَة.	العلماء،	مجالسةُ	<span style="color: orange;">٣</span>
عبادت [است].	دانشمندان	همنشيني	

همنشيني با دانشمندان عبادت است.

هَذِهِ	فِي	الْوَلَدِ	هَذَا	هَذِهِ	فِي	الْوَلَدِ	هَذَا	هَذِهِ	فِي
مَدْرَسَةٌ [أَسْتَ]	[أَسْتَ]	إِنْ	دَرْ	بَسْرِ	[أَسْتَ]	إِنْ	دَرْ	بَسْرِ	[أَسْتَ]

این پسر در این مدرسه است.

آسِيب	فِي	الْعِلْمِ	هَذِهِ	فِي	النِّسَيَانِ.	هَذِهِ	فِي	الْعِلْمِ	هَذِهِ
[أَسْتَ]	[أَسْتَ]	دانش	مَدْرَسَةٌ [أَسْتَ]	[أَسْتَ]	فَرَامُوشِي [أَسْتَ]	مَدْرَسَةٌ [أَسْتَ]	[أَسْتَ]	دانش	فَرَامُوشِي [أَسْتَ]

بلای دانش، فراموشی است.

الصَّفُّ	فِي	ذَلِكَ	الْطَّالِبُ	النَّاجِحُ	فِي	ذَلِكَ	الْطَّالِبُ	النَّاجِحُ	فِي
كَلَاسٌ أَوْلَى [أَسْتَ]	[أَسْتَ]	آن	دَانِشَآمُوز	مُوقَّعٌ	دَرْ	آن	دَانِشَآمُوز	مُوقَّعٌ	دَرْ

آن دانشآموز موفق، در کلاس اول است.

هَذِهِ	فِي	هَذِهِ	الْبَنْتُ	هَذِهِ	فِي	هَذِهِ	الْبَنْتُ	هَذِهِ	فِي
مَدْرَسَةٌ [أَسْتَ]	[أَسْتَ]	آن	دَخْتَرٌ	دَرْ	آن	دَخْتَرٌ	دَرْ	آن	دَرْ

این دختر در آن مدرسه است.

لَدَيْدَ	. لَدَيْدَ	ثَمَرٌ	هَذِهِ	الشَّجَرَةُ الْكَبِيرَةُ،	هَذِهِ	ثَمَرٌ	هَذِهِ	الشَّجَرَةُ الْكَبِيرَةُ،	هَذِهِ
[أَسْتَ]	[أَسْتَ]	این	درخت	بَرْزَغٌ،	خوشمزه [أَسْتَ]	این	درخت	بَرْزَغٌ،	خوشمزه [أَسْتَ]

میوه این درخت بزرگ، خوشمزه است.

هَذِهِ	فِي	هَذِهِ	الْطَّالِبَةُ النَّاجِحةُ،	هَذِهِ	فِي	هَذِهِ	الْطَّالِبَةُ النَّاجِحةُ،	هَذِهِ	فِي
دَانِشَآمُوز	مُوقَّعٌ	دَرْ	کلاسٌ أَوْلَى [أَسْتَ]	[أَسْتَ]	[أَسْتَ]	دَانِشَآمُوز	مُوقَّعٌ	دَرْ	کلاسٌ أَوْلَى [أَسْتَ]

این دانشآموز موفق در کلاس اول است.

الْوَلُوْرُ	وَ	الْمُؤْمَنُ	الْجَبْلُ	الرَّحْمَةُ	وَ	الْمُؤْمَنُ	الْجَبْلُ	الْوَلُوْرُ	وَ
[أَسْتَ]	[أَسْتَ]	دانشمند	مؤمن	مانند کوه	مهربانی	دانشمند	مؤمن	مانند کوه	مهربانی

عالیم با ایمان، همچون کوه مهربانی و نور است.

سَعِيدٌ» إِسْمُ وَلَدٍ وَ «سَعِيدَةً» اسْمُ بَنْتٍ.	سَعِيدٌ	نَامٌ	پَسْرٌ	وَ سَعِيدَةٌ	نَامٌ	دَخْتَرٌ	سَعِيدٌ	نَامٌ	سَعِيدَةٌ
[أَسْتَ]	[أَسْتَ]	سعید	نام	پسر	و	سعیده	نام	دختر	[أَسْتَ]

سعید نام پسر و سعیده نام دختر است.

فَرِيْضَةً.	الْعِلْمُ	طَلَبٌ	رَحْمَةً	الْعِلْمُ	طَلَبٌ	رَحْمَةً	بِلَاءً	الشَّجَرَةُ	تَلْكَ
[أَسْتَ]	دانش	خواستن	رَحْمَةً	[أَسْتَ]	علم جویی	راحت	بدون	میوه	آن

علم جویی راحت است.

آن درخت بدون میوه است.	آن	درخت	بدون	میوه	آن	تَلْكَ	الشَّجَرَةُ	بِلَاءً	رَحْمَةً
[أَسْتَ]	[أَسْتَ]	[أَسْتَ]	[أَسْتَ]	[أَسْتَ]	[أَسْتَ]	[أَسْتَ]	[أَسْتَ]	[أَسْتَ]	[أَسْتَ]

نور / روشنایی سخن

## نور الکلام

نور/روشنایی سخن

الْوَالَدَيْنِ.	فِي	رَحْمَةِ اللَّهِ	فِي	رَحْمَةِ اللَّهِ	فِي	رَحْمَةِ اللَّهِ	بِلَاءً	الشَّجَرَةِ	تَلْكَ
[أَسْتَ]	[أَسْتَ]	خشندوی	خدا	در	خشندوی	خدا	بدون	میوه	آن

خشندوی خدا در خشندوی پدر و مادر است.

وَ الْأَمَانُ.	وَ	الصَّحَّةُ	وَ مَجْهُولَتَانِ؛	نَاصِيَةٌ [أَنْدَ]	وَ	الصَّحَّةُ	وَ مَجْهُولَتَانِ؛	دو نعمت	دو نعمت
[أَسْتَ]	[أَسْتَ]	[أَسْتَ]	[أَسْتَ]	[أَسْتَ]	[أَسْتَ]	[أَسْتَ]	[أَسْتَ]	تدرسی	تدرسی

دو نعمت ناشناخته‌اند؛ تدرسی و امنیت.

الْدَّهْرِ	يُومَانٌ؛	لَكَ وَ يُومَ عَلَيْكَ.	الْدَّهْرِ	يُومَانٌ؛	لَكَ وَ يُومَ عَلَيْكَ.	الْدَّهْرِ	يُومَانٌ؛	لَكَ وَ يُومَ عَلَيْكَ.	الْدَّهْرِ
[أَسْتَ]	[أَسْتَ]	روزگار	دو روز	[أَسْتَ]	روزی	برای تو	و روزی	برای تو	ادب انسان

روزگار دو روز است؛ روزی به نفع تو است و روزی به ضرر تو.

أَدَبٌ	مِنْ	خَيْرٌ	أَدَبٌ	مِنْ	خَيْرٌ	أَدَبٌ	مِنْ	خَيْرٌ	أَدَبٌ
ادب	از	بهتر	ادب	از	بهتر	ادب	از	بهتر	ادب انسان

ادب انسان بهتر از طلا او مال است.

الْوَلَدُ	فَخْرٌ	الصَّالِحُ	فَخْرٌ	الْوَلَدُ	فَخْرٌ	الصَّالِحُ	فَخْرٌ	الْوَلَدُ	فَخْرٌ
[أَسْتَ]	[أَسْتَ]	فرزند	نیکوکار	افتخاری	برای پدر	مادر	[أَسْتَ]	[أَسْتَ]	[أَسْتَ]

فرزند نیکوکار افتخاری برای پدر و مادر است.

رَأْيٌ	مِنْ	خَيْرٌ	رَأْيٌ	مِنْ	خَيْرٌ	رَأْيٌ	مِنْ	خَيْرٌ	رَأْيٌ
دو رأی	از	بهتر	دو رأی	از	بهتر	دو رأی	از	بهتر	دو نظر بهتر از یک نظر است.

وَ الْإِيمَانِ.	بِالْعِلْمِ	الْإِنْسَانِ	قِيمَةً	أَرْزَشُ	هَاتَانِ	السَّجْرَتَانِ،	بِلَاءً	هَذِهِ	لِهَذَا
[أَسْتَ]	[أَسْتَ]	به دانش	و ایمان	[أَسْتَ]	این	دو درخت	[أَسْتَ]	دو پنجره زیبا	[أَسْتَ]

ارزش انسان به دانش و ایمان است.

نَافِذَتَانِ.	زَيْبَا [أَسْتَ]	جَمِيلَتَانِ.	نَافِذَتَانِ.	زَيْبَا [أَسْتَ]	جَمِيلَتَانِ.	نَافِذَتَانِ.	الصَّفَّ	لِهَذَا	لِهَذَا
[أَسْتَ]	[أَسْتَ]	[أَسْتَ]	[أَسْتَ]	[أَسْتَ]	[أَسْتَ]	[أَسْتَ]	[أَسْتَ]	کلاس	کلاس

این کلاس دو پنجره زیبا دارد.

مِيَوَهٌ [هَسْتَنَدَ].	بِلَاءً	مِيَوَهٌ [هَسْتَنَدَ].	كَبِيرَانِ.	هَذِهِ	الصَّفَّانِ،	هَذِهِ	الصَّفَّانِ،	هَذِهِ	الصَّفَّانِ،
[أَسْتَ]	[أَسْتَ]	[أَسْتَ]	[أَسْتَ]	[أَسْتَ]	[أَسْتَ]	[أَسْتَ]	[أَسْتَ]	دو کلاس	دو کلاس

این دو کلاس، بزرگ هستند.



## کنُزُ الْكُنُوزُ

گنج گنج‌ها

گنج گنج‌ها

۲ العَادَةُ خَيْرٌ بِهُوَلَاءٍ حَسَنٌ صَدَاقَةٌ جَاهِلٌ.  
دَشْمَنِي خَرْدَمَنْدٌ بَهْرَتٌ دُوسْتِي نَادَانٌ [اَسْتَ].  
دَشْمَنِي خَرْدَمَنْدٌ بَهْرَتٌ دُوسْتِي نَادَانٌ اَسْتَ.

۳ الْأَمْوَارُ خَيْرٌ كَالنَّقْشٍ فِي الْحَجَرِ.  
مِيَانَهُتَرِينٌ آنَّهَا [اَسْتَ].  
بَهْرَتِينٌ كَارَهَا مِيَانَهُتَرِينٌ آنَّهَا اَسْتَ.

۴ الْأَلَاعِبُونَ، فَائِزُونَ هُؤُلَاءُ فِي مُسَابِقَتِيْنِ.  
بَازِيْكَنَانٌ بَرْنَدَهَا دَرِيْنَاهَا دُوسْتِنَدَهَا [هَسْتَنَدَ].  
بَازِيْكَنَانٌ، دُوسْتِنَدَهَا بَرْنَدَهَا دَرِيْنَاهَا.

۱ تَفْكُرٌ سَاعَةٌ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةٍ سَبْعِينَ سَنَةً.  
اَنْدِيشَهُكَرِدَنٌ سَاعَتِيْ بَهْرَتٌ اَزْ عِبَادَتٌ هَفْتَادٌ سَالٌ [اَسْتَ].  
یک ساعت اندیشیدن بهتر از عبادت سال عبادت است.

۲ الْعِلْمُ فِي الصَّغِيرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ.  
دَانَشٌ دُرِيْنَاهَا كَوْدَكِيْ مِثْلَ نقَشٍ درِيْنَاهَا [اسْتَ].  
دانش (یادگیری) در کودکی مثل نقش در روی سنگ است.

۵ الْجَهَلُ مَوْتٌ الْأَحْيَاءُ زَنْدَگَانٌ [اَسْتَ].  
مَرْغٌ نَادَانِيِّيْ زَنْدَگَانٌ اَسْتَ.  
نَادَانِيِّيْ، مَرْغٌ زَنْدَگَانٌ اَسْتَ.

۶ الْأَوْلَادُ لَاعِبُونَ أُولَئِكَ آنَانٌ فَرِزْنَدَانٌ (بِسْرَانٌ).  
مَمْتَازُونَ بازِيْكَنَانٌ مِمْتَازَهَا [هَسْتَنَدَ].  
آن پسран بازیکنان ممتازی هستند.

## پرسش‌های درس اول

۱ کلمه‌های مترادف و متضاد را مشخص کنید. (= ≠)

۱ جاهل عاقل

۲ فریضه تکلیف

۳ المسرور الفرح

۴ الظاهر النظر

۵ المرض الصحة

۶ عادلة حسنة

۷ الزرقاء واقف

۸ الصدقة مفروض

۱ مفرد آیات

۲ مفرد أحجار

۳ مفرد أمور

۴ مفرد عبر

۱ بنات بنات

۲ أحياء حیات

۳ كنوز کنوز

۴ أخشاب خشب

۲ مفرد کلمات زیر را بنویسید.

۳ کلماتی که زیرشان خط کشیده شده را ترجمه کنید.

۱ هذان الصقان کبیران.

۲ هؤلاء اللاعيبون، فائزون.

۳ طلب العلم، فريضه.

۴ لهذا الصف، نافذتان.

۴ برای جای خالی کلمه مناسب را انتخاب کنید.

۱ ناجحون في الحياة.

۲ العلماء كالجبيل.

۱ الصادقون الصادقان

۲ هذا هذان

- |                                    |                                    |                          |
|------------------------------------|------------------------------------|--------------------------|
| <input type="radio"/> الفلاح       | <input type="radio"/> الفلاحان     | ٣ هذان ..... في المزرعة. |
| <input type="radio"/> هذه          | <input type="radio"/> ذلك          | ٤ المؤمنة في المسجد.     |
| <input type="radio"/> مَسْرُورَاتٌ | <input type="radio"/> مَسْرُورُونَ | ٥ زينب و كبرى و فاطمة .  |
| <input type="radio"/> أولئك        | <input type="radio"/> هذان         | ٦ مجید و حميد و محسن.    |

٧ از اسمهای زیر «مشتی» و «جمع سالم» بسازید.

اسم	جمع سالم	مشتی	اسم	جمع سالم	مشتی	اسم
عالِمٌ	.....	٢ عالِيٌّ	الْمُسَابِقَةُ	.....	١ الْمُسَابِقَةُ	
مجاهِدٌ	.....	٤ مجاهِدٌ	صَابِرَةٌ	.....	٣ صَابِرَةٌ	
مُرْتَقِعٌ	.....	٤ مُرْتَقِعٌ	الصَّالِحَةُ	.....	٥ الصَّالِحَةُ	
طَالِبٌ	.....	٨ طَالِبٌ	مَجْهُولَةٌ	.....	٧ مَجْهُولَةٌ	

٨ برای جای خالی کلمه مناسب را انتخاب کنید.

جالِسُون - طَلَاب - فَائِزَات - عَبَر - مُمْتَازُون - لاعِبَات - واقفُون - رجَال - طَبِيبَات

جمع مذكر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مذكر مكسّر
.....	.....	..... ١
.....	.....	..... ٢
.....	.....	..... ٣



# پاسخ نامه شریحی

## پاسخ پرسش‌های درس اول

### پاسخ ۱

۱	عاقل ≠ جاہل
۲	فريضة = تکليف
۳	السرور = الفَرَح
۴	الرأي = النَّظَر
۵	الحسنة ≠ المرض
۶	الصلحة ≠ المرض
۷	العِدَادَةُ ≠ صَدَاقَةٌ
۸	الجَالِسُ = واقف
۹	الصَّاحِنُ = صابرات
۱۰	الصَّالِحَاتُ = الصالحات
۱۱	الصَّالِحَاتُ = الصالحات
۱۲	الصَّافِقَاتُ = مجهولات
۱۳	الصَّافِقَاتُ = طالبان
۱۴	الصَّافِقَاتُ = عالمون
۱۵	الصَّافِقَاتُ = عالمان

### پاسخ ۲

۱	الصَّافِقَاتُ = عالمان - عالمون
۲	الصَّافِقَاتُ = صابرات
۳	الصَّافِقَاتُ = مجاهدان
۴	الصَّافِقَاتُ = مجهولات
۵	الصَّافِقَاتُ = طالبان
۶	الصَّافِقَاتُ = مرتفعون
۷	الصَّافِقَاتُ = مرتفعات
۸	الصَّافِقَاتُ = مرتفعات

### پاسخ ۳

۱	جمع مذکر سالم: جالِسُون، ممتازُون، واقفُون
۲	جمع مؤنث سالم: فائزات، لاعبات، طبيبات
۳	جمع مكسر: طلاب، عِبَرَات، رجال

## پاسخ پرسش‌های درس دوم

### پاسخ ۱

۱	اليمين ≠ اليسار
۲	الحديقة = بستان
۳	الحسن ≠ سوء
۴	الخُسَام = السيف
۵	الحُكْمَة = حكمة
۶	الجبل = جبل
۷	الحُرْفَة = حرفة
۸	الحَقِيقَةُ = حقيقة
۹	الهَلْ = هل
۱۰	طويل ≠ قصير
۱۱	قرب ≠ بعيد
۱۲	عبد ≠ عبد
۱۳	اليسار = اليسار
۱۴	الثَّالِثُ = الثالث
۱۵	الثَّالِثُ = حول

### پاسخ ۲

۱	صَيْفٌ
۲	علامة
۳	سماء
۴	بستان
۵	حکمة
۶	حرفة
۷	عبد
۸	اليسار
۹	الثَّالِثُ
۱۰	الثَّالِثُ